

کتاب

پرویش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

راهنمای

کتابخانه

کتاب: بیت‌المال در اسلام

نویسنده: محمد محمدی اشتهاردی

ناشر: کانون انتشارات ناصر - قم

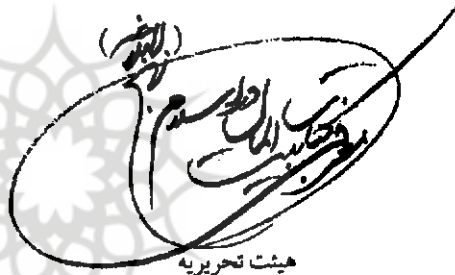
سال نشر: ۱۳۵۷

این کتاب قسمتی از درس‌های حضرت آیت‌الله حسین نوری همدانی است که در مسجد اعظم قم برای جمعی از طلاب و علاقه‌مندان به مباحث نهج‌البلاغه ایراد شده و سپس توسط آقای محمد محمدی اشتهاردی تنظیم گردیده است.

کتاب ابتدا ضرورت بحث درباره پدیده اقتصاد را مطرح می‌سازد و اظهار می‌دارد که هر چه جهان پیش می‌رود توجه به موضوع اقتصاد با گستردگی بیشتر مطرح می‌شود. این موضوع در آئین اسلام مورد توجه قرار دارد اگر چه در طول تاریخ این دین، دقت لازم به آن نشده است. این کتاب به موضوع بیت‌المال، اقسام آن و توزیع عادلانه آن از دیدگاه اسلام پرداخته است.

در این کتاب، تشکیل حکومت از ارکان دین به شمار می‌رود تا در پرتو قانون، نظام اجتماعی از فرو افتادن در هرج و مرج رهایی یابد. از سوی دیگر، اقتصاد از عوامل اساسی در حکومت می‌باشد تا پدیده‌هایی مثل فاصله طبقاتی مرتفع گردند.

نیل به این شرایط با تشکیل بیت‌المال امکان‌پذیر است و اسلام آن را در متن حکومت خود به عنوان قانون ایجاد کرده است. در مباحث مربوط به بیت‌المال، کتاب «الخراج» نوشته‌ی



نهی المذنبه
۱۰۱

۱۶۶ شماره ۱۲ و ۱۸

ابویوسف درباره ی فیء، جزیه و خراج و نیز دو کتاب «عصر الانطلاق» و «دایرةالمعارف الاسلامیه» درباره سیر تاریخی بیت المال مطالبی آورده شده است اما بحث مستقل و گسترده در این باره به عمل نیامده است.

مفهوم بیت المال به معنای خانهای است که اموال مربوط به درآمد منابع به عنوان محل امن در آن قرار می گرفت تا به موقع در راه نیازهای مردم و اجتماع صرف شود. وجود بیت المال در سایه ادیان نیز مورد توجه بوده است، چرا که این امر طبق روایات به زمان حضرت داوود علیه السلام و حضرت ابراهیم علیه السلام می رسد (بحار، چاپ قدیم، جلد ۵). در این کتاب از بیت المال به نوعی تعاون هم تعبیر شده است که جمع آوری خمس و زکات را برای مصارف ضروری به انجام می رساند. بعلاوه، طبق استناد کتاب، موضوع بیت المال برای نخستین بار توسط شخص پیامبر پایه ریزی شد و تدریجاً گسترش یافت.

نویسنده محترم تفاوت بین مالیات و بیت المال را در مواردی مثل زکات، خمس، انفال، خراج، جزیه و... می داند که گردآوری آنها مفهوم اخیر را شامل می شود، حال آن که مالیات، پول هایی هستند که مأمورین وزارت دارایی در هر کشور طبق قانون مصوب آن، از کشاورز، تاجر، پیشه ور و مالک اخذ می کنند و به نیازهای عمومی پاسخ می دهند. در این میان تشابه بیشتری بین خراج و مالیات دولتی و مصوب به چشم می خورد. زیرا خراج توسط

حاکم اسلامی با در نظر گرفتن مصالح و نیازهای عمومی و اجتماعی و با توجه به شرایط و وضع خراج دهندگان از آن ها اخذ می شود. به هر حال ولایت فقیه می تواند این اجازه را صادر کند که برای جبران کمبودهای اقتصادی، مالیات جدیدی با در نظر گرفتن شرایط افراد وضع شود و این در صورتی است که شکل مالیاتی موجود (خراج) کفایت نکند.

در اینجا به اختصار به ذکر هر یک از منابع اصلی درآمد بیت المال می پردازیم:

- زکات در اسلام، یک دستور تعاونی مؤکد و لازم است. اسلام آن را بر ثروتمندان واجب گردانیده تا کسانی که از بنیه ی ضعیف مالی رنج می برند بدین وسیله تقویت شوند. گفته می شود اگر قاعده زکات به درستی رعایت شود فقر و استضعاف از میان خواهد رفت و استقلال مالی پدیدار خواهد شد.

اقلامی که مشمول زکات می شوند عبارتند

از:

- ۱- گندم
- ۲- جو
- ۳- خرما
- ۴- کشمش
- ۵- طلا
- ۶- نقره
- ۷- شتر
- ۸- گاو
- ۹- گوسفند.

در این نه مورد قاعده زکات جاری می شود

معرفی کتاب
بیت المال در اسلام
(نهج البلاغه)

شماره ۱۷ و ۱۸ ۱۶۷

و به نحوی که ستمی بر کسی نرود از فرد مورد نظر اخذ می شود. زکات گندم، جو، خرما و کشمش یک دهم و گاهی یک بیستم؛ زکات طلا و نقره یک چهارم؛ زکات گوسفند، شتر و گاو نیز با توجه به نصاب آنها تفاوت می کنند. نویسنده توضیح بیشتر در میزان زکات را به رساله های عملیه ارجاع داده است.

بر طبق کتاب، زکات در هشت زمینه به مصرف می رسد:

۱- نیازمندیانی که در تأمین هزینه معاش کمبود دارند؛

۲- مستمندانی که فاقد مخارج روزانه خود می باشند؛

۳- مأمورین گرد آوری و حفظ زکات؛

۴- پرداخت به بیگانگانی که موجب تمایل آنها به دین شود؛

۵- برای آزاد کردن بردگان؛

۶- برای ادای قرض؛

۷- اموری که خشنودی خداوند را به همراه دارند مثل ساختن مسجد، پل، کارهای عام المنفعه؛

۸- برای در راه ماندگان و افراد دور از وطن.

مردم می توانند زکات خود را رأساً در موارد مذکور مصرف کنند ولی اگر امام از مردم درخواست پرداخت بکنند بر مردم واجب می شود که این مال را به وی یا مأمورین او بپردازند.

- خمس عبارت از یک پنجم در آمدی است که فرد تحصیل می کند. طبق اسناد کتاب به آیه

۴۱ از سوره انفال این مقدار از در آمد برای خدا، پیامبر، اهل بیت او، یتیمان، مستمندان و درماندگان در سفر می باشد. از روایت استفاده می شود که خمس به هفت مقوله تعلق می گیرد:

۱- منفعت کسب

۲- معدن

۳- گنج

۴- مال حلال مخلوط به حرام

۵- جواهری که بواسطه ی فرو رفتن در دریا

به دست آید

۶- غنیمت

۷- زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد.

در باب علت مطالبه خمس که غالباً در زمان

حیات ائمه علیهم السلام رواج یافت، دیدگاه کتاب ناظر بر این است که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و

امیرالمؤمنین علیه السلام درآمدهای زیادی از طریق غنائم و زمین های خراجی تحصیل می شد و

خزانه پر می شد، لذا احساس نیاز به خمس وجود نداشت. البته در زمان این دو بزرگوار خمس

درآمدهایی مثل غنائم و معادن و گنج ها اخذ می شده است اما در زمان خلفای غاصب بود که

در آمد غنائم و زمین های خراجی به امامان نمی رسید و در واقع غصب می شد و از این رو،

خمس سایر درآمدها از مردم مطالبه می شد. به منظور مصرف، خمس به شش قسمت

تقسیم می شود:

۱- خدا

۲- رسول

۳- ذی القربی (ائمه اطهار)

۴- یتیمان

۵- مستمندان

۶- در راه ماندگان

به عبارتی می توان گفت که در آمد خمس به دو بخش تقسیم می شود:

۱- سهم خدا، رسول و امامان

۲- سهم سادات یتیم، فقیر و در راه ماندگان.

می توان گفت قسمت اول سهم رهبر

حکومت اسلامی و قسمت دوم به نیازمندان از

خویشان پیامبر صلی الله علیه و آله یعنی سادات تعلق می گیرد.

در زمان غیبت این مال به دو قسمت می شود که

بخش اول آن به مجتهد جامع شرایط داده

می شود و بخش دوم به سادات نیازمند تعلق

می گیرد. باید توجه داشت که سهم امام پس از

تأمین نیازهای شخصی ایشان (یا نائیش) صرف

رهبری امت، توسعه حکومت اسلامی و شعایر

دینی می شود که زیر بنای عدالت فردی و

اجتماعی و امنیت و سعادت اجتماع خواهد بود.

- انفال، از ریشه نفل به معنای «زیادی»

می باشد. مجموعه اموال اضافی و بدون صاحب

را «انفال» گویند. زمین هایی که بدون اعمال زور

و نبرد و با مصالحه بدست آمده باشند، غنائم،

قله کوهها، دره ها، زمین های موات و... جزء

انفال محسوب می شوند. همچنین اموال بدون

وارث در زمره ی انفال خواهند بود. مطابق با

آیه ی یکم از سوره ی انفال، اموالی که تحت

همین نام یعنی انفال قرار می گیرند به خدا و

رسول او تعلق دارند و در زمان های بعد در

اختیار حکومت اسلامی قرار می گیرند تا در راه

منافع عموم مسلمین به مصرف برسند.

چنانکه ذکر شد، غنائم جنگی بخشی از

انفال به حساب آمده اند. در این مورد با مراجعه

به تاریخ و روایات، چگونگی تقسیم اموال

غنیمتی با استفاده از مفاهیمی مثل جعائل، سلب،

رضح، نفل، صفایا، و... حصه و سهم تمام کسانی

که به نحوی در جنگ شرکت داشته اند منظور

می شود.

- جزیه از ماده ی (جزاء) گرفته شده و آن را

مالیات سرانه ی سالانه گویند که از اهل کتاب که

در پناه دولت اسلامی زندگی می کنند اخذ

می شوند. در آمدی که از راه جزیه حاصل

می آید به بیت المال تعلق دارد و در راه مصالح

عمومی، امنیتی و منافع اجتماعی مصرف

می گردد.

- خراج مقدار مالی است که طبق قرار داد بین

حکومت اسلامی و کسارکنان زمین از عین

محصول زمین یا قیمت آن گرفته می شود. زمینی

که به این ترتیب مشمول پرداخت خراج می شود

باید قبلاً از اراضی خراجی بوده باشد، یعنی

زمین هایی که با قهر یا غلبه یا از روی مصالحه، از

کفار گرفته شده باشد، مشروط بر آنکه در حین

فتح، آباد بوده باشد. در این مورد، کتاب از

زمین های خیبر، عراق، شامات، مصر، آفریقا و

قسمت مهمی از زمین های ایران نام می برد. از

این زمین، خواه از عین محصول یا قیمت آن و با

توجه به مصالح عموم و اختیار حاکم، خراج

مربوطه اخذ می شود. اخذ خراج بر خلاف جزیه

که مطابق نص قرآن است از روی اجتهاد و

معرفی کتاب
بیت المال در اسلام
(نهج البلاغه)

شماره ۱۷ و ۱۸، ۱۶۹

تصمیم‌گیری حاکم اسلامی می‌باشد و در این مورد، کتاب به تصمیم پیامبر در مورد زمین‌های خبیر و مکه استناد می‌کند.

بنابراین، با توجه به فتوحات مسلمین در صدر اسلام و زمان خلفا، موضوع خراج از اهمیت وافر برخوردار بوده و باید در مورد اجازة‌ی اراضی، و نیز درباره‌ی کشاورزان و تمامی دست‌اندرکاران و نیز حکومت اسلامی و... تصمیمات و تقسیمات عادلانه‌ای صورت می‌گرفت. در این میان، مفهوم «مقاسمه» در مورد قراردادی که برای عین مال بسته می‌شد بکار می‌رفت و مفهوم خراج در زمانی بود که قرار داد بر پول محصول تعلق می‌گرفت. در زمانه‌ی خلفا مبالغی که از راه درآمد خراج تحصیل می‌شد بسیار زیاد بوده است. از خراج در زمان خلفا به عنوان مهم‌ترین منبع درآمد نام برده می‌شود.

در عهد نامه‌ی مالک اشتر، نسبت به امر خراج توجه خاصی مبذول شده و صلاح جامعه به صلاح خراج دهندگان وابسته شده است: «الناس کلهم عیال علی الخراج و اهله».

امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه‌ی سوم نهج البلاغه اصولاً پذیرش امر خلافت را پیمان الهی با دانشمندان و نپذیرفتن سیری ستمگر و گرسنگی ستم‌دیده عنوان می‌کنند. بنابراین، اولاً بیعت و پذیرش همگانی در امر خلافت از اهمیت درجه اول برخوردار است. ثانیاً برقراری عدالت و جلوگیری از ظلم مهم‌ترین دستور کار ایشان می‌باشد. از این رو، امر توجه به بیت‌المال

و مصرف آن اهمیت پیدا می‌کنند که باید دقت لازم در آن صورت پذیرد. بر این اساس، وقتی حضرت علی علیه السلام خلافت را پذیرا شدند به مسجد آمدند و برای مردم سخنانی گفتند که در نهج البلاغه ثبت شده است:

«ذمتی بما أقول رهینه و أنا به زعیم»

ایشان مردم را انذار می‌دهند که دگرگون خواهند شد، بالا رونندگان پائین خواهند آمد و پائین ماندگان بالا خواهند رفت. ناشایستگی که به ناحق پیشی گرفته بودند برکنار خواهند شد. نویسنده‌ی کتاب، این موارد را از خطبه‌ی شانزدهم نهج البلاغه یاد آور می‌شوند.

اینک برنامه‌ی اصلاحی امام را در مورد بیت‌المال در این کتاب بنگریم:

بر اساس کنکاش محقق محترم در فرازهای نهج البلاغه درباره‌ی بیت‌المال، هفت موضوع به عنوان سلسله برنامه‌های ایشان ملاحظه می‌شوند که به ترتیب ذیل می‌آوریم:

۱- کوشش در آباد کردن زمین‌ها و گسترش تولیدات اقتصادی و حفاظت جدی از آنها.

۲- چگونگی گردآوری و نگهداری بیت‌المال.

۳- شرایط کسانی که بیت‌المال تحت نظر آن‌ها اداره می‌شود.

۴- مصارف بیت‌المال.

۵- تقسیم بیت‌المال به طور مساوی و جلوگیری از تبعیضات.

۶- دقت در حفظ بیت‌المال و هشدار به کسانی که بیت‌المال در اختیار آن‌ها است.

۷- کیفر خیانتکاران به بیت‌المال.

در زمینه توزیع بیت‌المال بر اساس مساوات، به واسطه رویه‌های غلط گذشته، دشواری‌هایی بر سر راه امام وجود داشته است. اما امام سعی در برقراری تساوی بین تمام کسانی داشتند که در بیت‌المال حق داشتند؛ چراکه استفاده از بیت‌المال مطلق است و کسی بر دیگری برتری و ارجحیت ندارد. بنابراین، رعایت عدالت از ویژگی‌های خاص امیرالمؤمنین بوده و مخالفت‌ها با ایشان نیز از همین نقطه آغاز شد. سهل بن حنیف، طلحه، زبیر، عبدالله بن عمر، سعید بن عاص، مروان، عده‌ای از قریش و... با امیرالمؤمنین مخالفت ورزیدند. در حقیقت، عطایا و بخشش‌های زمان عثمان آنها را به غلط تربیت کرده بود و ایشان تحمل شرایط جدید را نداشتند. حضرت سوگند یاد می‌کنند که:

«حتی اگر بخشیده‌های عثمان را در جایی که با آن همسرانی گرفته باشند یا کنیزانی خریده باشند پیام به صاحبانش باز می‌گردانم، زیرا در عدالت گشایشی است، هر کسی که عدالت، او را به تنگ آورد ستم بر او تنگ‌تر خواهد بود» (نهج البلاغه کلام ۱۵).

امیرالمؤمنین علیه السلام در پاسخ کسانی مثل عمار یاسر، ابوالهثیم تیهان و... که از حضرت تقاضا می‌کردند انعطاف نشان دهد تا اوضاع مساعد گردد، اظهار می‌دارند که:

«آیا به من دستور می‌دهید به کسانی که تحت فرمانروایی من هستند ستم کنم تا یارانی گرد آورم... اگر مال از آن خودم بود آن را به تساوی

قسمت می‌کردم، چه رسد به این که مال، مال خدا است» (نهج البلاغه، کلام ۱۲۶).

به گفته جرج جرdaq، نویسنده‌ی مشهور مسیحی و اهل لبنان، علی علیه السلام نخستین متفکر شرقی است که در باره‌ی بیت‌المال تعبیراتی دارد حاکی از آن که: بیت‌المال از آن همه‌ی توده‌ها است و این که همه به طور مساوی از آن بهره می‌برند، از نظر علی علیه السلام، بیت‌المال از آن طبقه‌ی حاکم و اشراف نیست. این قبیل نظرات باید سرمشق جهان بشریت باشد.

ایسن کتاب با ذکر نمونه‌هایی از سخت‌گیری‌های امیرالمؤمنین علیه السلام و نیز یادآوری داستان آهن گداخته در مورد برادر خودشان عقیل و نیز برخی وقایع دیگر از زندگانی حضرت پایان می‌پذیرد.

متذکر می‌گردم که سیر این کتاب به شکلی که تدوین‌کننده‌ی محترم آورده‌اند مورد توجه قرار گرفته و به طور خلاصه گزارشی از آن ارائه شد. این گفتار به نقد و بررسی کتاب پرداخته و آن را به اهل فن وامی‌گذارد.

تنها در پایان این نکته یادآوری می‌شود که موضوع مورد نظر در این کتاب مفهوم «مساوات» در تقسیم بیت‌المال» بوده است:

تدوین‌کننده‌ی محترم، با استفاده از برخی آیات و روایات به اصل موضوع پرداخته و سپس بحث مساوات در تقسیم بیت‌المال را در نهج البلاغه مطرح ساخته‌اند که غالباً از شواهد تاریخی و روایی برداشت کرده‌اند. اما در این گفتار بحث دقیق درباره بیت‌المال و علت

معرفی کتاب
بیت‌المال در اسلام
(نهج البلاغه)

شماره ۱۷/۱۸ ۱۷۱

تساوی در تقسیم آن و نتایج مترتب بر آن ارائه نشده است. در حقیقت باید گفت که جای بحث درباره‌ی موضوعاتی مثل وظایف مترتب بر مرکز حفظ اموال (بیت‌المال) خالی است.

این امکان وجود داشت که موضوع بیت‌المال به مفهوم «بانک» پیوند زده شود و در این باب بحثی صورت بگیرد. «اعمال سیاست‌های پولی» از مهم‌ترین وظایف دولت اسلامی است که راه را برای انجام فعالیت‌های اقتصادی هموار خواهد نمود.

امیرالمومنین علیه السلام نیز در نامه ۵۳ نهج البلاغه خطاب به مالک اشتر می‌فرماید که به تجار و پیشه‌وران توجه بشود زیرا آنان کارهایی انجام می‌دهند که از عهده سایرین خارج است. سیاست‌های پولی که دولت‌ها در پیش می‌گیرند می‌تواند کسانی را که به فعالیت خاص اقتصادی اشتغال دارند منتفع نموده یا متضرر نماید. در هر دو حال سود و زیان آنها به جامعه و دولت باز می‌گردد.

این همه با عنایت به موضوع بیت‌المال جامعه‌ی عمل خواهد پوشید. موضوعاتی مثل بانک، حجم نقدینگی، نظام مالیاتی و مالی، ارزش پول و... در ارتباط با موضوع بیت‌المال قابل بحث و دقت نظر می‌باشند.

به هر حال، برای علمای دین که نگاه محققانه و اجتهادی داشته و در صدد توضیح ابعاد مکتب می‌باشند امید موفقیت بیشتر داریم و از خداوند متعال برای ایشان طول عمر و سلامت مسئلت می‌نمایم.

